

## بررسی فقهی «تشبیب» از دیدگاه فریقین

مآئده رضایی\* رقیه عاشری\*\*

### ■ چکیده

امروزه، رفاقت‌های نامشروع زنان و مردان در کشورهای اسلامی رایج شده و به تبع آن اشعار بسیاری در توصیف زن و عشق به او سروده شده و در رسانه‌ها پخش می‌شوند. این فرهنگ، خلاف توصیه‌های شریعت به عفاف است. این موضوع (تشبیب) گرچه در آثار علمای متأخر چون شیخ انصاری اشاره شده است، ولی به منظور پیشگیری از ابتدال نیاز به تبیین و روشنائی حواشی آن در جامعه‌ی امروز، احساس نیاز می‌شود. شیخ انصاری در مکاسب با عنوان «تشبیب المرأة» عنوان شده است. از حاصل این پژوهش می‌توان دریافت که حکم اولیه‌ی تشبیب از دیدگاه فقها حلیت است، اما به دلایل دیگری چون تهییج شهوت، ترویج فحشا، هتک حرمت زن و... حرام است. فقهای اهل سنت ساختن شعر یا نثر در تشبیب زن معروف را حرام اما روایت آن را مشروط به عدم ایذاء و هتک حرمت زن و محارمش، مباح دانسته‌اند، لذا فقهای فریقین در این موضوع اختلافات و اشتراکاتی دارند.

### ■ واژگان کلیدی

تشبیب، عفاف، حجاب، اخلاق اجتماعی، ادله فقهی.

\*. دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی مشهد. (hozeh-rezaie@yahoo.com)  
\*\*. دانش‌پژوه کارشناسی رشته فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی مشهد. (asheriroghayeh@gmail.com)  
تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۳

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

یکی از گرایش‌های فطری انسان، علاقه به زیبایی از جمله زیبایی در گفتار در سطوح مختلف و در قالب‌های شعر و نثر است. انسان‌ها دوست دارند که محبوبشان را با الفاظ و عبارات زیبا توصیف و تمجید کنند. زن به خاطر لطافت‌هایی که دارد مورد توجه صاحبان ذوق و قریحه شعری قرار گرفته و اشعاری درباره توصیف زیبایی‌هایش سروده می‌شود که در لغت عرب و کتب فقهی از آن به «تشبیب» نام برده شده است. تشبیب عموماً سخنی است توأم با وزن و قافیه و خیال که با روحیات و تمایلات خواننده سازگار است و اغلب اشخاص به جهت ایجاد رغبت در مخاطبان، کلام خویش را با شعر می‌آمیزند.

یادآوری محاسن زنان و اظهار علاقه عملی یا گفتاری به ایشان از علایق غریزی مردان است، اما از دیدگاه اسلام این کار باید در محدوده‌ی مجاز قرار گیرد، لذا در این مقاله مختصری از قوانینی که اسلام برای معاشرت و برخورد زن و مرد وضع کرده است تبیین می‌شود. در این مقاله با استفاده از منابع فقهی و با روش کتابخانه‌ای و تحلیلی - توصیفی، موضوع را از دیدگاه فریقین بررسی کرده و به موضوع در سه بخش کلیات و مفهوم‌شناسی، تشبیب از دیدگاه فقهای شیعه و تشبیب از دیدگاه فقهای اهل سنت پرداخته شده است.

۷۲

## ۲- مفهوم لغوی و اصطلاحی «تشبیب»

الف) مفهوم لغوی

کلمه تشبیب از نظر لغوی از ریشه «شَبَب» گرفته شده و در اصل به معنی یادآوری ایام جوانی و شباب و احوال مربوط به آن زمان است و اشعاری که به صورت عاشقانه در زمینه ایام جوانی بیان می‌شود و در آغاز شعر معمولاً برای جلب توجه مخاطب بیان می‌شود تشبیب نامیده می‌شود. در فرهنگ بزرگ جامع نوین در مورد معنای لغوی تشبیب آمده است: «اشعاری که به یاد زنان زینت داده می‌شوند، تشبیب نام دارند» (سیاح، ۱۳۹۰: ۹۲۴).

تشبیب به تحسین جلوه دادن و برافروختن است. ابن‌منظور می‌نویسد: «شَبَد یَشْبِدُ ای یزهاه و یحسنه و یوقده...؛ تشبیب کرد یا تشبیب می‌کند یعنی او را جلوه بخشید، نیکو کرد و برافروخت... و پس آن چیز از نور و روشنی فروزان شد» (ابن‌منظور افریقی، ۱۰۴۵: ۲۶۳). در تعریف ابن‌منظور دو نکته اساسی نهفته است:

اول، تحسین زن به لطافت و ظرافت کاری نیازمند است؛

دوم، این ظرافت کاری به نسبت برافروختن آتش عشق به زن مورد نظر است.

## ب) مفهوم اصطلاحی

در تعریف اصطلاحی این واژه در جامع المقاصد آمده است: «یادآوری محاسن زن و شدت علاقه او و مانند او به وسیله شعر». (کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۸)

تشبیب به تدریج از محدوده آیام جوانی و شباب پا را فراتر گذاشته و عشق بازی و سرودن اشعار عاشقانه در زمینه‌های دیگر در بر خواهد گرفت (زیبیدی، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ص ۳۰۸)، تا جایی که هر کس می‌خواست عشق خود به معشوقه‌اش را اظهار کند، تشبیب می‌سرود و بدین وسیله به وی اظهار عشق می‌نمود و صفات و زیبایی‌های ظاهری او را بر می‌شمرد.

تشبیب در اصطلاح ادبا و شعرا عبارت است از شعری که در آن شاعر به ذکر اوصاف و محاسن و زیبایی‌های زن مورد علاقه‌اش می‌پردازد و در مورد آن زن اشعار عاشقانه می‌سراید (طریحی، ۱۰۸۷ق: ج ۲، ص ۸۵)

در شعر فارسی نیز به ابیاتی که شاعر در ابتدای قصیده به یاد معشوقه‌اش می‌سراید تشبیب اطلاق می‌گردد (معین، ۱۳۶۳: ذیل واژه تشبیب).

۷۳

در عبارات فقها هر جا «تشبیب» به کار رفته است، منظور همان معنی اصطلاحی آن نزد ادبا و شعرا است، یعنی تشبیب نزد فقهاء نیز شعری دانسته شده است که بیشتر برای اظهار عشق و برشمردن زیبایی جسمانی زنان به کار می‌رود.

شهید اول در این زمینه می‌گوید: «یحرم الغزل مع الاجنبیة ای محادثتها و مرادتها و التشبیب بها؛ گفتگو و سخن عاشقانه‌زدن با زن نامحرم، حرام است» (عاملی، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ص ۱۴۳). محقق کرکی در تعریف تشبیب می‌گوید: «تشبیب هی ذکر محاسنها و اظهار شدة حبها بالشعر» (کرکی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۲۸). با توجه به تعریف تشبیب در اصطلاح ادبا و فقها و اطلاق کلمه محاسن می‌توان گفت که ذکر محاسن زن اعم از محاسن ظاهری و جسمانی و محاسن و کمالات درونی و نفسانی او می‌باشد.

## ۳. تاریخچه تشبیب

یادآوری محاسن زنان و اظهار عشق و علاقه به جنس مخالف در عمل یا گفتار به نظم یا نثر از علایق طبیعی مردان است. تمایل به زن جزو سرشت مرد و کلید زندگی اجتماعی و ازدیاد نسل و حفظ و بقای آن است. در روایات، علاقه به زن از اخلاق پیامبران دانسته شده و قرآن حب به زنان را فطری و عامل پیوند زن و مرد می‌داند.

بر همین اساس در تمام ادیان الهی و مکاتب بشری برای این کشش، مقررات ویژه‌ای وضع شده است. اسلام که دین سالم و آیین برآمده از فطرت انسانها است، در چارچوب راه اقوم خود برای هدایت انسان و سالم‌سازی محیط زیست، پیرامون موضوع یادشده دستورات، راهنمایی‌ها و مقرراتی دارد. این احکام را یا به انگیزه کرامت انسان یا به جهت مصلحت زندگی دنیوی افراد و یا به خواسته خود آنان وضع کرده است. از جمله مواردی که دین درباره‌اش قوانین و مقرراتی وضع کرده، نحوه برخورد و معاشرت زن و مرد است. بیشتر احکام و مقررات اسلامی، علاوه بر قرآن، در کتب مفصل حدیث و فقه مسلمانان جمع شده و نظرات و آرای بسیار گوناگونی را به خود اختصاص داده است و هر یک از این احکام و مقررات از دیدگاه‌های مختلفی مورد بحث و تفسیر قرار گرفته است.

در این باره (تشبیب) نیز پاره‌ای از جنبه مدنی و اجتماعی و برخی از نقطه نظر جزایی و کیفری به آن پرداخته‌اند و تعدادی نیز از لحاظ تجارت و مشاغل این بحث را معمولاً در ابواب مکاسب و تجارت مطرح کرده‌اند. بررسی منابع نشان می‌دهد که فقیهان از دیدگاه اجتماعی - اقتصادی بدان نگریسته‌اند، زیرا در گذشته، شاعری یک شغل رسمی بوده و عده‌ای از شاعران صرفاً در غزل‌سرایی و تشبیب، تخصص داشته‌اند. متاع اینان یا به صورت شفاهی در محافل سلاطین، حکام و اعیان و اشراف، عرضه می‌شده یا به صورت کتبی و در زمان‌های بعد حتی برای توده مردم هم عرضه می‌شده است. علاوه بر این، غزل‌سرایی به عنوان یک شیوه روان‌درمانی نیز مطرح بوده است. شاعر با توجه به روحیه شنونده و حال و هوای او غزل مناسبی می‌سرود و او را از حالت خمودی و ناراحتی نجات می‌داد. تشبیب و غزل‌سرایی به عنوان یک تفریح رایج در همه جا نفوذ یافته بود و غزل‌سرایان و محاسن‌گویان، حرمت و جایگاه ممتازی داشته و از این موقعیت به نفع خود سود می‌جستند. این واقعیت‌ها موجب شد فقیهان درباره حکم آن به اجتهاد پردازند و از اصول و مبانی موجود، حکم مقتضی را استنباط نمایند (سعیدزاده، ۱۳۷۳)

#### ۴. حکم تشبیب از دیدگاه فقهای شیعه

##### ۴-۱. قائلان به حلیت تشبیب

نخستین فقیهی که برای این موضوع بانی خاصّ باز کرد شیخ انصاری بود. وی در مکاسب محرمة تحت عنوان «تشبیب المرء» بحث مفصلی را مطرح کرده است. مطالب دیگر فقها شرحی بر این باب است، اما این موضوع در منابع فقهی و غالباً در کتب شرح بر مکاسب به طور مفصل مطرح شده است. مانند کتاب‌های حاشیه مکاسب ایروانی و ارشاد الطالب علی‌المکاسب تبریزی؛

البته مدرسین درس خارج فقه مانند آقایان مددی، اعرافی و سیدحسن خمینی این موضوع را مطرح کرده‌اند، لذا ارائه آن در قالب مقاله علمی برای استفاده جوانان بسیار ضروری است که سعی کردیم در این مقال به آن بپردازیم.

آیت‌الله اعرافی حکم اولی تشبیب را جواز می‌داند. دلیل اصلی ایشان، اصالة الحل است و ادله دیگری را نیز مطرح کرده و حرمت آن را مربوط به عناوین ثانوی می‌دانند. وی می‌گوید: «علی الاصول باید بگوییم اصل در آن این است که جایز است. پایه اولی آن این است که مباح است. حداقلش این است که به عنوان اصل عملی الاصل فی وصف الغیر و بیان جماله و اوصافه سواء اوصافه النفسانیة و فضائله الروحیه أو شمائله الجسمیه أو اوصافه فی ملبسه و مرکبه، این اصل اولی الجواز است. اصل اولی اباحه ظاهری است که اصل عملی است. بعید نیست که اگر دقت بکنیم، حتی یک عنوان‌های کلی هم پیدا بکنیم که به صورت اصلی مثل باب تزئین و تسخیر طبیعت خلق لکم ما فی الارض از دلیل لفظی داشتیم. ممکن است دلیل لفظی هم پیدا بکنیم، منتهی چون فقها کار نکرده‌اند، به بیان جامع و نگاه کلان باید کار بیشتری کرد. اصل اولی جواز است. به استناد اصل عملی و ممکن است به اصل لفظی هم دلالت بکند، اما این وصف جمال حدود و قیودی دارد گاهی از اباحه بیرون می‌آید، می‌شود حرام و گاهی هم مستحب می‌شود و گاهی هم واجب و مستحب می‌شود، مثل وصف جمال باطنی و حتی ظاهری و اولیای الهی این‌ها می‌آید به سمت وجوب و استحباب یعنی توصیفات ظاهری و باطنی که موجب جذب دیگران به سمت راه حق می‌شود و شیفتگی آنها نسبت به اولیای الهی می‌شود. این یک بخش است که راجح است، یعنی توصیف جمالات چه جمال باطنی، چه جمال ظاهری که موجب شیفتگی انسان‌ها می‌شود و اصلاً شائبه‌های شهوانی و شیطانی و اهریمنی در آن نیست و این مبنای تاریخ‌نویسی بزرگان ما بوده و مبنای روایاتی بوده که در شمائل و اوصاف ائمه و اولیای الهی [می‌آمد و آثار تربیتی فراوانی دارد. در مورد خود فاطمه‌زهرا {می‌گوید که حضرت راه می‌رفتند مثل راه رفتن پیامبر خدا، یا در سخن حضرت زینب {می‌گوید گویا که امیرالمؤمنین { زنده شده بود و این طور سخن می‌گفت. توصیفات جمال باطن یک فصل است و خیلی نیکو و مستحب است و گاهی واجب می‌شود. توصیفات جمال ظاهر هم یک فصل دیگر است که گاهی راجح می‌شود و این یک بخشی است که توصیفات ظاهر و باطن است که راجح است. یک بخش هم توصیفات است که مذموم است. این توصیفات مذموم ده دوازده تا قاعده کلی دارد که در مکاسب آمده و آقای خوبی هم تعدادی را آورده‌اند و آقای مکارم و دیگران هم آورده‌اند. حضرت امام این بحث را ندارند و ما مقیدیم که نظر امام را همه جا عرض بکنیم، هم به خاطر عمق و اصالتش و هم به خاطر جوانب دیگری که در حضرت امام است» (www.eshragherfan.com).

## ۴-۲. قائلان به حرمت تشبیب

آنچه در آثار فقهای شیعه در زمینه شعرسرایي مشاهده می‌گردد این مسئله است که آنان با اشعاری که در آنها کلمات و سخنان اغفال‌کننده و شهوت‌انگیز رد و بدل می‌شود مخالف‌اند. با این اتکا می‌توان گفت آنان به طریق اولی با تشبیب مخالف هستند چرا که اصل و شاکله این نوع شعر بر امور ضداخلاقی و نامشروع نهاده شده است مثلاً در قواعد الاحکام و ایضاح الفوائد آمده است: «تشبیب نسبت به زنی که معروف (معین) و اجنبی نسبت به مرد است حرام است» (حلی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۴۹۵).

محقق کرکی در جامع المقاصد می‌گوید: «تشبیب نسبت به زنی که معروف و معین است (حتی اگر شنونده او را نشناسد) و زنی که مؤمنه و اجنبیه است حرام است، زیرا موجب هتک حرمت او می‌شود» (کرکی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۲۸). صاحب کتاب جواهر الکلام در مورد تشبیب می‌گوید: «تشبیب حرام است، زیرا باعث ایذاء مؤمنین و تحریک فساق نسبت به زن و هتک حرمت وی می‌شود» (نجفی، ۱۳۶۷ق: ج ۴۱، ص ۱۹۵).

تشبیب نسبت به زن معروف و مشهوری که صاحب ایمان و احترام است، حرام هست. طبق تعریفی که مرحوم محقق ثانی در کتاب جامع المقاصد نموده، عبارت است از «ذکر محاسن زن و اظهار شدت محبت به او در لباس شعر». فقیهانی که قائل به حرمت تشبیب‌اند ادله ذیل را آورده‌اند:

الف. لازمه تشبیب تفضیح نمودن و آشکار نمودن صفات مزبور می‌باشد؛

ب. تشبیب موجب هتک حرمت زن می‌باشد؛

ج. به واسطه آن زن اذیت و آزار می‌شود؛

د. تشبیب سبب می‌شود تا فساق به طرف زن مزبور تماس پیدا کرده و مزاحم وی شوند؛

ه. پس از تشبیب بر زن و اهلس نقص وارد می‌گردد، لذا افرادی که صاحب غیرت و حمیت هستند هرگز راضی نبوده که دیگری متذکر عشق برخی از دختران یا خواهر بلکه مخدراتی که نسبت بعید و دوری با او دارند، شود.

مرحوم مصنف می‌فرماید: «انصاف این است که هیچ یک از وجوه مذکور برای اثبات تحریم تشبیب کافی نبوده، مضافاً جملگی اخص از مدعا می‌باشند، زیرا گاهی هیچ یک از این وجوه در خارج تحقق نیافته ولی در عین حال تشبیب محقق بوده و محکوم به حرمت می‌باشد، بلکه می‌توان گفت نسبت بین تشبیب و امور مذکور عموم و خصوص من وجه است، چه آنکه تشبیب نسبت به همسر بسا موجب تحقق اکثر امور مذکور بوده، ولی حرام نیست».

**۵. حکم اولی تشبیب از دیدگاه شیخ انصاری**

شیخ انصاری در ابتدا حکم حرمت را برای تشبیب قائل می‌شود، اما در ادامه بیاناتی دارد که معلوم می‌کند او قائل به حرمت اولی نبوده و تشبیب را فی حد نفسه حرام نمی‌داند، بلکه حرمت آن را از تهییج شهوت نامحرم می‌داند یا از لهو و باطل و فحشاء و عمل منافی عفت. با این وصف آنچه از سخن شیخ برداشت می‌شود این است که تشبیب فی حد نفسه حرام نیست، حرمت آن به لحاظ توابع و پیامدهای آن خواهد بود، چنان که اگر شهوت نامحرم را برانگیزاند یا مصداق فحشاء قرار بگیرد یا عمل منافی عفت تلقی شود، در چنین تصویری، مسئله خالی از اشتباه و اشکال نیست. قدر متیقن از تشبیب آن است که در مورد زن مؤمنه معروفه محترمه شوهردار باشد و تشبیب به انگیزه تهییج شهوت صورت پذیرد.

**۵-۱. ادله شیخ انصاری بر حرمت**

شیخ انصاری در استدلال بر حرمت بر این امور استدلال می‌کند:

الف- عمومات حرمت لهو و باطل؛

ادله‌ای که حرمت فحشاء را ثابت می‌کند؛

منافات تشبیب با عفاف که جز عدالت است؛

فحوای آنچه بر حرمت تهییج شهوت، نیت به غیر زوجه دلالت دارد.

لازمه سخنان شیخ این است که علاوه بر قیود یاد شده، قید دیگری نیز بر تشبیب افزوده شود و بگوییم حرمت وقتی است که تشبیب‌کننده، قصد تهییج شهوت داشته باشد یا سامع به صرف شنیدن تهییج شود، اگر تشبیب، فاقد اثر تهییج باشد حرمت نخواهد داشت و حال آنکه این خلاف منظور تحریم‌کنندگان و از جمله خود شیخ است. به هر حال شیخ و دیگران می‌پذیرند که تشبیب خصوصاً فاقد دلیل است و اثبات حرمت از عمومات و اطلاقات ادله موضوعات دیگر نیز کار مشکلی است (ذهنی تهرانی، ۱۳۶۹).

**۵-۲. موارد استثنای حرمت تشبیب**

الف- تشبیب مرد بیگانه برای نامزدش قبل از عقد؛

ب- تشبیب مرد بیگانه برای زنی که قصد دارد با او ازدواج کند؛

ج- تشبیب مرد آشنا برای زوجه خود؛

د- تشبیب زنی که شاعر او را می‌شناسد، ولی سامع نمی‌شناسد؛

ه- تشبیب مرد برای زنی در صورت ابهام و به صرف خیال؛

و- تشبیب مرد بیگانه برای زن غیر مؤمنه.

موارد دیگری را می‌توان به فرض عدم صدق عنوان تشبیب، حلال دانست از جمله:

الف- تشبیب به نثر؛

ب- کرداری که حکایت از عشق و علاقه به زن باشد؛

ج- تشبیب به شعر در مورد زنانی که اصطلاحاً «جلده» و «متبرزه» خوانده می‌شوند، تا جایی که برخی از فقیهان، صراحتاً میان چنین زنی با زن مستوره و مخدره تفاوت قائل شده و گفته‌اند زن متبرزه خود نزد قاضی می‌رود، ولی برای محاکمه زن مستوره، قاضی به خانه او می‌رود و حال آنکه هر دو مؤمنه و محترم‌اند؛

د- تشبیب به شعر در صورتی که شنوندگان همه زن باشند؛

ه- تشبیب به شعر در حالی که زن مورد نظر خود راضی بوده یا به تشبیب فرمان داده باشد؛

و- تشبیب به شعر در صورتی که تشبیب شونده دختر نابالغ باشد؛

ز- همه مصادیق یاد شده در صورتی که تشبیب به نثر باشد نه شعر.

### ۵-۳- تأثیر نیت مشبب بر حرمت

بحث دیگر، جایگاه تأثیر نیت مشبب در حرمت است. از فحوای سخن شیخ و برخی دیگر از شارحان سخن ایشان و فقیهان گذشته استفاده می‌شود که نیت مشبب، سهم بسزایی در تعیین حکم تشبیب دارد. با این وصف، یک تقسیم‌بندی دیگری به لحاظ نیت او صورت می‌پذیرد، یعنی بر اساس نیت مشبب باید حکم تشبیب را متغیر دانست؛ گاهی ممکن است نیت مشبب صرفاً سرودن یک غزل هنری بوده و هیچ توجهی به مسائل شهوانی نداشته باشد، چنان که احیاناً سرودن غزل، جنبه تفریحی داشته و هرگز منظور جدی در کار نبوده است و یا شاعر برای مدح و خوشایند زن مورد نظر، غزل می‌سروده است، بدان امید که از او صلح بگیرد. بدیهی است که در مواردی غزل سرا قصد تفکر و لذت‌جویی داشته و هدف او یک ابتکار هنری نبوده است. آقای خوئی ذیل سخنان شیخ می‌گوید حق آن است اگر انگیزه مشبب، عشق و وقوع در مفسده باشد، بدون شک مبعوض و حرام است و اگر انگیزه او بیان محاسن و عظمت آفرینش خالق و بداعت فطرت او باشد، حرمتی ندارد. در این صورت احراز قصد و نیت مشبب، کار مشکلی است و حرمت تشبیب به صرف سرودن غزل اثبات نمی‌شود. چنان چه از دلیل حرمت تشبیب استفاده شود که تشبیب، حق‌الله بوده است در این صورت نیت هیچ نقشی نخواهد داشت و تمام موارد یاد شده مصادق آن قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر اگر بپذیریم که تشبیب مشمول ادله حرمت لہو



و باطل و فحشاء است و با عفاف منافات دارد، در این صورت نیت (مشبب) هیچ دخالتی نخواهد داشت و انگیزه هر چه باشد حکم حرمت به حال خود باقی است. از کلام شیخ فهمیده می‌شود که تشبیب حق الله است، ولی از دیدگاه فقهای متقدم، حق الناس است (حسینی عاملی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، صص ۲۴۳-۲۳۹).

به عبارت دیگر، استدلال شیخ به ادله‌ای که برشمردیم نشان می‌دهد زوج و بستگان زن هیچ نقشی در پیگیری یا بخشش مشبب ندارند، ولی از استدلال فقهای متقدم چنین برمی‌آید که آنان برای زوجه و شوهر بستگان او حقی قائل‌اند، زیرا در استدلال خود از هتک حرمت و آزار و رسوایی شخص سخن گفته بودند. به نظر می‌رسد تشبیب از اموری باشد که هم حق الله و هم حق الناس در آن تصویر می‌شود.

سخن شیخ اعظم در مورد تشبیب از جهات مختلفی حائز اهمیت است؛ از نظر شیوه استدلال، از نظر قیودی که در تعریف گنجانده شده و از نظر واقع‌نگری و توجه به مسیر جاری دوره حیاتش. منظور شیخ از این قراین، خصوصاً از فقره چهارم به بعد، توجه‌دادن به نیت گوینده و شنونده است که اگر تهییج شهوت باشد، حرام است و گرنه حرام نیست. شیخ تشبیب را فی حد نفسه حرام نمی‌داند، بلکه حرمت آن را از تهییج شهوت نامحرم، می‌گیرد یا از لہو و باطل و فحشاء و عمل منافی می‌داند. از این سخنان برداشت می‌شود که تشبیب فی حد نفسه حرام نیست، بلکه حرمت آن به لحاظ توابع و پیامدهای آن خواهد بود؛ چنان که شهوت به نامحرم را برانگیزاند یا مصداق فحشا قرار بگیرد یا عمل منافی عفت تلقی شود و در چنین تصویری، مسئله خالی از اشتباه و اشکال نیست.

قدر متیقن از تشبیب آن است که در مورد زن مؤمنه معروفه محترمه شوهردار باشد و تشبیب به انگیزه تهییج شهوت صورت پذیرد. سایر موارد (مانند مواردی که پیش از این یاد شد، حرمت ندارد. چنان چه موردی از موارد غیر مصرح، مورد اشکال باشد، نه از جهت تشبیب، بلکه به لحاظ صدق عناوین دیگری است. چنان که اظهار عشق به وسیله نامه یا تلفن در صورت هتک حرمت اشخاص به عنوان مذکور قابل تعقیب است. بررسی هریک از مصادیقی که خارج از تعریف شیخ قرار می‌گیرد و منطبق کردن عناوین دیگری از محرمت بر آنها، کار متخصصان فقه و حقوق اسلامی است که هریک در جای خود مباحث دامنه‌داری را می‌طلبد و خارج از فرصت نوشته حاضر است (سعیدزاده، ۱۳۷۴).

## ۵-۴- بررسی استدلال شیخ انصاری بر حرمت تشبیب

مرحوم مصنف می‌فرماید که ممکن است بر حرمت تشبیب به وجوه ذیل استدلال نمود:

الف- عموماً تکیه بر حرمت لهُو و باطل دلالت دارند؛

ب- ادله‌ای که بر حرمت فحشاء دلالت دارند؛

ج- تشبیب با عفاف که در عدالت اخذ شده منافات دارد؛

د- فحواى ادله‌ای که دلالت دارند بر حرمت چیزی که موجب تهییج قوای شهویه نسبت به غیر حلیله می‌شود، اگرچه سببیتش برای آن بعید باشد، همچون اخبار و احادیثی که بر منع نظر به زن اجنبیه دلالت دارند؛

ه- ادله‌ای که حکم بر رجحان تستر زنان مسلمین از زنان اهل ذمه نموده و در مقام ذکر علت فرموده‌اند: زیرا زنان اهل ذمه خصوصیات و اوصاف زنان مسلمین را برای شوهران خود بازگو می‌کنند و ایشان به این زنان متمایل می‌شوند؛

و- مانند ادله‌ای که زنان را به تستر از اطفال ممیزی که آنچه را ببینند می‌توانند توصیف کنند، نموده است (خویی، ۱۳۲۰ق: ج ۱۲، ص ۸۷).

۸۰

از این امور به دست می‌آید که محرمات و مکروهاتی که نام‌بردن زن محترمه معروفه و مشخصه در قالب الفاظی که موجب تهییج قوای شهوانی دیگران به طرف او است، حرام می‌باشد؛ علی‌الخصوص نسبت به زن شوهرداری که شارع اقدس حتی به این مقدار در حقیقت راضی نشده که وی را در معرض نکاح قرار داده و به او بگویند بسا راغب و مایل به تو وجود دارد که حاضرند با تو ازدواج کنند.

از مرحوم شیخ طوسی در کتاب مبسوط نقل شده که ایشان تشبیب به همسر را جایز دانسته و زائد بر گفتار دیگران حکم به کراهت آن نیز نموده و به هر صورت ظاهر کلام همگی آن است که تشبیب نسبت به زن مبهم و ناشناخته جایز است و تشبیب زن مبهم به این نحو است که شخص، زنی را در خیال و وهم خود آورده و سپس آن را مورد تشبیب قرار دهد، اما زنی که نزد گوینده معروف و از نظر سامع مبهم است، اعم از آنکه سامع اجمالاً بداند که متکلم زن معین و مشخصی را قصد کرده یا چنین علمی نداشته باشد، در حکم آن اشکال و اشتباه است.

## ۵-۵- احراز شرایط تشبیب مرد برای زن

الف- زن مؤمنه باشد؛ تشبیبی که در آن زن یا زنان مسلمان مورد هتک و آزار می‌گیرند، محکوم به حرمت است، لکن تشبیب زنان کافر گرچه محتوای باطلی هم داشته باشد، بی‌اشکال است اما برای زنان اهل‌ذمه حرام است.

ب- زن شوهردار باشد؛ شهید ثانی معتقد است سرودن تشبیب برای زن شوهردار گرچه در علقه نکاح منقطع هم باشد حرام است (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۴، ص ۱۸۳).

صاحب کتاب *ماوراء الفقه* در این باره می‌نویسد: «تشبیب یا غزل‌سرایی برای زن شوهردار و زن مؤمنه که همگان او را می‌شناسند حرام است، خواه آن زن از محارم شاعر باشد و خواه از محارم او نباشد، اما این بدان معنا نیست که شعرسرایی برای زن مطلقاً حرام باشد، بلکه شعرسرایی در وصف مقام زن و تکریم شأن او حرام نیست، بلکه اشعاری چون تشبیب که مقام زن را لکه‌دار می‌نماید و بذر شهوت در جامعه می‌افشاند حرام است» (صدر، ۱۴۲۱ق: ج ۱۰، ص ۱۱۵).

ج- شناسایی زن امکان‌پذیر باشد؛ از دیدگاه شماری از فقها اگر شاعر برای زنی نامعلوم و خیالی که برای عموم قابل شناسایی نیست و در مجموع معروف نیست تشبیب بسراید بی‌اشکال است (عاملی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۲، ص ۲۲۵).

با واکاوی آراء موجود پیرامون تشبیب در کتب فوق‌الذکر می‌توان نتیجه گرفت در ارتباط با حکم تشبیب دو دیدگاه وجود دارد:

الف- دیدگاهی که قائل است تشبیب مطلقاً و در هر شرایطی حرام است. در این نظریه تشبیب شعری منفی تلقی شده است که موجب بی‌بندوباری و تحریک قوای شهوانی می‌شود. از فقهای شیعه می‌توان شیخ انصاری را سردمدار و مؤید این دیدگاه دانست؛ البته مواضع اکثر فقهای شیعه در رابطه با تشبیب نزدیک به این دیدگاه است.

ب- دیدگاهی که قائل است تشبیب مطلقاً حرام نیست، بلکه در شرایطی سرودن آن مجاز است. در این نظریه تنها تشبیبی حرام دانسته شده است که باعث هتک حرمت و آبروی زن شود. در میان فقیهان شیعه آیت‌الله خویی در کتاب *مصباح‌الفقاهه* بیشتر از این دیدگاه طرفداری می‌کند (خویی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۲۱۱).

## ۶- تحلیل و بررسی ادله حرمت تشبیب

## ۶-۱- آیات

گرچه در آیات کریمه الهی به صراحت حکم تشبیب بیان نشده است، لکن از فحوای شماری از آیات می‌توان حکم آن را استنباط نمود. در این خصوص به سه گروه از آیات استناد شده است که عناوینی در آنها منهی عنه واقع شده است که ماهیت تشبیب نیز به این عناوین نزدیک است.

## الف) آیات نهی کننده از فحشا و منکر

« إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ » (نحل: ۹۰)؛ «به یقین خداوند به عدالت (فردی، خانوادگی و اجتماعی) و نیکی کردن و ادای حقوق خویشاوند (خود و خویشاوند معصوم پیامبر) فرمان می‌دهد و از گناهان بسیار زشت و عمل‌های ناپسند و تعدی و تجاوز بازمی‌دارد. شما را پند می‌دهد، باشد که تذکر یابید».

اکثر فقهای شیعه به این دلیل با تشبیب به صراحت مخالفت نموده‌اند، زیرا به اعتقاد اینان موجب بی‌بندوباری و ترویج فحشاء و منکرات می‌شود و می‌توان گفت که فقه اسلامی با هر نوع شعری که دارای محتوای ضداخلاقی است، مخالف است. زیرا شاعری که اقدام به سرودن اشعار به وسیله سخنان و کلمات نکوهیده می‌نماید، اجتماع را نیز آلوده به مفسد و انحطاط می‌نماید. بنابراین تشبیب از جمله اشعاری است که به علت شکستن هنجارهای شرعی، اخلاقی و انسانی و همچنین ایجاد تباهی و بی‌بندوباری خصوصاً برای دختران و پسران مجرد، مورد مخالفت فقها است.

«إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹)؛ «آنان که دوست می‌دارند در میان اهل ایمان کار منکری اشاعه و شهرت یابد، آنان را در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و خدا(فتنه‌گری و دروغ‌شان را) می‌داند و شما نمی‌دانید».

مسئله غزل‌سرایی برای زن می‌تواند زمینه را برای تحقق فحشا و منکرات فراهم آورد که طبق نص صریح قرآن از آن نهی شده است. در تحلیل این دو آیه می‌توان گفت اولاً تشبیب همواره ملازم با فحشاء و منکرات نیست، چرا که در مواردی شاعر به ذکر کمالات نفسانی و اخلاقی زن مثل سخاوت، تواضع، حق‌پذیری و... می‌پردازد که در این موارد ملازمه با فحشاء و منکر قرار نمی‌گیرد، بلکه ذکر محاسن ظاهری و جسمانی معشوقه، زمینه‌ساز تحقق فحشا می‌باشد.

## ب) آیات نهی کننده از ارتباط شهوانی بین زن و مرد

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْتَنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِمْ رِضْوَانٌ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲)؛ «ای زنان پیغمبر، شما مانند دیگر زنان نیستید (بلکه مقامتان رفیع تر است) اگر خدا ترس و پرهیزکار باشید، پس زنهار نازک و نرم (با مردان) سخن مگوئید مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد (بلکه متین) و درست و نیکو سخن گوئید».

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» (نور: ۳۱)؛ «زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهرا ظاهر می‌شود (بر بیگانه) آشکار نسازند، و باید سینه و بر دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند».

آنچه از ظاهر این دو آیه برمی‌آید اینکه نحوه ارتباط بین زن و مرد نباید به گونه‌ای باشد که زمینه‌ساز برانگیخته شدن شهوت شود و اگر ملاک نهی در این دو آیه، تهییج شهوت است، فرقی نمی‌کند که این امر از طرف مرد آغاز شود یا زن، بنابراین تشبیبی که موجب برانگیختن شهوت خصوصاً در مورد زن شوهردار شود، حرام است، زیرا خداوند خواستگاری چنین زنی را به صورت کنایه و تعریض نیز نمی‌پذیرد تا چه رسد به بیان سخنان عاشقانه در مورد وی.

در تحلیل این دو آیه می‌توان گفت که بین تشبیب و تهییج شهوت عموم و خصوص من وجه است و تشبیب همواره موجب برانگیخته شدن شهوت نیست، مثل ذکر محاسن نفسانی یکی از محارم یا در مورد همسر که اگر موجب تهییج شهوت هم شود بدون اشکال است، لذا تشبیبی حرام است که موجب تهییج شهوت نسبت به غیر همسر خود شود.

## ج) آیاتی نهی کننده از لهو و لعب عمومی

«وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَ لَهْوًا وَ غَرْتَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا» (انعام: ۷۰)؛ «و آنان را که دین خود را بازیچه و سرگرمی گرفتند و زندگانی دنیا آنها را فریب داد به حال خود واگذار».

«وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ» (شوری: ۲۴)؛ «و به کلمات (وحی) خود سخن باطل را محو و نابود و حق را ثابت و برقرار می‌گرداند».

تشبیب اگر تحت عنوان لهو قرار گیرد و شامل مضامین باطل و خلاف شرع باشد، مسلماً حرام است، لکن تشبیبی که مشتمل بر مداخل متعارف و متعالی و از نظر عقلا پذیرفته باشد از عنوان لهو و باطل خارج بوده و جایز می‌باشد.

آیت‌الله خویی در مورد دلالت آیات مذکور بر حرمت تشبیب تشکیک نموده و ابراز داشته است نسبت بین حکم تشبیب و بین حکم عناوینی که در آیات متصف به حرمت هستند عموم و خصوص من وجه است، با این توضیح که تشبیب از عناوینی نیست که مطلقاً و برای همیشه حرام باشد و همیشه این گونه نیست که تشبیب ملازم با لهو و لعب باشد. در نهایت ایشان به این نتیجه می‌رسند که نمی‌توان حرمت تشبیب را با آیات تحریم‌کننده لهو و لعب اثبات نمود.

### ۶-۲- روایات

در روایات نیز بسان آیات قرآن کریم، حکم تشبیب صراحتاً ذکر نشده است، اما با این حال در شماری از روایات از اعمالی نهی شده است که در تشبیب وجود دارد که می‌توان به آنها اشاره نمود.

#### الف) روایات منع‌کننده از هتک حرمت و آبروریزی دیگران

امام باقر (ع) می‌فرمایند: «من هتک حجاب غیره انکشف عورات بیته» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ص ۱۹)؛ «هرکس امور مخفی دیگران را آشکار کند (و آنها را رسوا کند) امور مخفی زندگی او نزد دیگران آشکار خواهد شد».

بیان اشعار عاشقانه نسبت به یک زن اگر موجب اشتها او بین مردم و آبروریزی و هتک احترام شود، مسلماً بر اساس روایات ممنوع و غیرمجاز است؛ البته تشبیب با اهانت ملازم نیست و گاهی در خلوت محاسن زن بیان می‌شود و هتک حرمت هم لازم نمی‌آید یا اینکه ذکر محاسن و کمالات او نزد دیگران مطلوب است و موجب هتک حرمت نمی‌شود. دیگر اینکه اگر تشبیب موجب هتک حرمت شود با استناد به اطلاق روایات نباید فرقی بین زن محرم و نامحرم و همسر و غیر همسر قائل شد.

#### ب) روایات روا نبودن اذیت و آزار مؤمنین و مسلمین

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «لاورع انفع من تجنب محارم الله و اکف عن اذی المومنین و اغتیاهم» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ص ۲۴۴)؛ «اجتناب از حرام الهی و اذیت نکردن مؤمنین و غیبت نکردن پشت سر آنان از نافع‌ترین و کاملترین مراتب می‌باشد». بر این اساس تشبیبی که موجب اذیت و آزار زن به خصوص زنان مؤمنه شود طبق روایات جایز نیست و فرقی بین محرم و نامحرم و همسر و غیر همسر هم ندارد.

**ج) روایات دال بر حرمت برانگیختن شهوت نسبت به زنان نامحرم**

امام صادق (ع) می‌فرماید: «النظر سهم من سهام ابلیس و کم من نظره اورثت حصره الطویله» (کلینی، ۴۰۷ ق، ج: ۵؛ ۵۵۹)؛ «نگاه به زن نامحرم از روی شهوت، تیری از تیرهای مسموم شیطان است و چه بسیارنگاه‌هایی که موجب حسرت طولانی شده است».

مسئلاً تأثیر تشبیبی که در مقام لفظ و کلام محقق می‌شود در برانگیختن شهوت بیشتر از نگاه است و اگر نگاه شهوانی باشد به طریق اولی تشبیب نیز حرام می‌باشد.

روایاتی که خلوت زن و مرد بیگانه را در یک مکان جایز ندانسته و فرد سوم آنها را شیطان می‌داند (محدث نوری، ۱۴۱۵ق: ج ۱۴، ص ۲۶۵) و روایاتی که نشستن مرد در مکانی را که زن نشسته بوده تا قبل از آنکه آن مکان گرمای بدن زن را از دست بدهد و سرد شود، مکروه و نامطلوب می‌دانند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۶۷) همه به طور غیرمستقیم دال بر این است که هر آنچه موجب تحریک قوای شهوانی نسبت به زنان بیگانه شود نزد شارع، قبیح و نامشروع است و می‌توان تشبیبی را که محرک شهوت نسبت به غیر همسر است را ممنوع و ناروا دانست.

**۶-۳- سیره‌ی عقلاء و متشرعه**

انسان‌های عاقل غیرت‌مند هیچ‌گاه راضی نمی‌شوند که مردی نسبت به دختر یا خواهر یا حتی زنی از خویشاوندانشان در غیر حالت خواستگاری و اراده ازدواج، سخنان عاشقانه بیان کند و این امر را تقبیح می‌کنند. با توجه به ادله‌ای که بیان شد می‌توان نتیجه گرفت تشبیبی که تحت یکی از عناوین زیر قرار گیرد حرام است:

الف- تحریک قوای شهوانی و تحقق فحشاء و منکر و شیوع بی‌بندوباری و رغبت ناهلان به رواج ارتباط نامشروع زن و مرد؛

ب- هتک حرمت و بی‌آبرویی زن؛

ج- لهو و لعب و باطل؛

د- اذیت و آزار و ضرر و زیان رساندن به زن؛

ه- تمنی تحقق حرام به وقوع معصیت.

**۷- ادله حرمت تشبیب**

عنوان لهو و لعب و باطل و امثال این‌ها است که در قرآن هم آمده که «اجتنبوا قول الزور» و چیزهای دیگر هم دارد که از چیزهای باطل اجتناب کنید. آنچه با بحث ما ارتباط دارد این است که اگر ما اطلاقی داشته باشیم یا بپذیریم در جای خودش که هر لعبی حرام است یا هر لهوی

حرام است یا هر امر و کار و فعل و قول باطلی حرام است، ممکن است این اطلاق بر بحث تشبیب منطبق شود، ولی آنچه به اجمال و اختصار می‌توانیم بگوییم این است که این ادعا که هر «لعبی» حرام است، «لهو» هم همین طور است، پذیرش یک اطلاقی که هر قول و فعل لهوی را یعنی ما ینهی عن ذکرالله و عن الاخره و چیزهایی که انسان را از اهداف درست غافل می‌کند، مطلق بگوییم حرام است، قابل پذیرش نیست.

### ۷-۱- عنوان لهو و لعب

برای حرمت تشبیب به عناوین حرمت مانند اینکه تشبیب لهو و لعب است و کل لهو و لعب حرام است، استدلال شده بود. اشکالی که ما در این استدلال داریم با توجه به مباحثی که به اجمال و اختصار اینجا عرض شد، هم اشکال صغروی وجود دارد و هم اشکال کبروی.

#### الف- اشکال صغروی

اشکال صغروی این است که همیشه این طور نیست تشبیب و ذکر اوصاف دیگری و زن دیگری لهو و لعب باشد؛ البته غالباً لهو و لعب است. ممکن است این وصفی که می‌کند در شرایطی باشد که عرفاً لهو و لعب محسوب نشود و به شکلی توصیف کند که حتی ممکن است لاهی عن ذکر الله هم نباشد، البته غالباً این طور است. تلازم رد صغری در اینجا غالبی است، نه دائمی و خیلی وقت‌ها این طور است. این بحث صغروی است که اینجا اشکال صغروی به خلاف بحث های قبلی چندان قوی نیست، برای اینکه این ملازمه غالبی است.

#### ب- اشکال کبروی

اشکال کبروی این است که ما دلیلی بر حرمت مطلق لهو و لعب بما هو لهو و لعب نداریم؛ بلکه اگر این تشبیب مهیج شهوت و خلاف عفاف است، درست است، اما به صرف اینکه این لهو و لعب است، برای حرمتش اطلاق نداریم، البته کراهت چرا و این دلیل، دلیل بر کراهت می‌شود، مگر اینکه جای لهو و باطل نباشد که آن کم است. این هم این دلیل است که قصه‌اش روشن است، البته در مورد لهو و لعب بحث مبسوطی را خواهیم داشت.

### ۷-۲- عنوان اغراء الفساق بها

یعنی زمینه‌سازی برای راهیابی و تعرض افراد لایبالی به زنی که مورد تشبیب قرار گرفته است. طوری او را توصیف می‌کند که افرادی در او طمع می‌کنند و ایجاد طمع نسبت به این زن می‌کند. این تشبیب موجب اغراء است و اغراء حرام است. این هم دلیل دیگری است که گفته شده است. اینجا هم بحث صغروی و کبروی دو اشکال دارد.



**الف- اشکال صغروی**

این است که همیشه اغراء فاسق به آن زن نیست. برای اینکه گاهی تشبیب به زن مبهمی است و به زن خاصی نیست یا اگر زن خاصی هم است، معلوم است که کسی به سمت او سوق پیدا نمی‌کند یا دسترسی به او ندارد، لذا همیشه ملازم با اغراء فاسق به او نیست.

**ب- اشکال کبروی**

از نظر کبروی اینجا بعید نیست که اغراء الفساق بالمرأه المعلومه و به زنی که ایجاد طمع شهوانی در او کند، حرام باشد، ولی این هم اغراء الفساق بها از باب حرمتش، در روایات به این عنوان نیامده است. این بیشتر همان عنوان تهییج شهوانی و اعانه بر اثم و امثال این‌ها دارد. اغراء، هتک دیگران هم محسوب می‌شود، یعنی خود این اغراء الفاسق بها عنوان خاصی نیست، خودش مشمول یکی از عناوین است.

**۷-۳- عنوان اعانه بر اثم**

به این بیان که ذکر اوصاف زن دیگری در میان جمع و برای دیگران، موجب کمک بر گناه است، یعنی اصل اینکه وصف جمال غیر می‌کند، مانعی ندارد، ولی کمک می‌شود برای اینکه دیگران گناه کنند و این، اعانه بر اثم است و اعانه بر اثم هم حرام است.

**الف- اشکال صغروی**

این است که همیشه وصف جمال غیر برای کسی اعانه بر اثم نیست. مخصوصاً اگر زن مجهولی باشد، آن هم در موقعیتی که موقعیتی نیست که کسی به خاطر آن به سمت گناه برود، لذا گرچه غالباً این طور است، اما دائماً این طور نیست.

**ب- اشکال کبروی**

از نظر کبروی آیا اعانه بر اثم حرام است یا حرام نیست؟ این بحث‌های گذشته است که گفتیم با دو شرط حرام است، لذا از نظر کبروی ما به خلاف آقای خویی و اینها قبول داریم. از نظر کبروی هم حتی مثل آقای خویی و آقای تبریزی که اعانه بر ظلم را قبیح می‌دانستند، اگر این بیان وصف موجب یک نوع ظلمی به او بشود. بروند درب خانه‌اش و اذیتش بکنند، آنها را باید بگویند حرام است، چون اعانه بر ظلم است، لذا گاهی اعانه بر اثم است، گاهی اعانه بر ظلم است و موجب می‌شود که او مورد تعدی قرار بگیرد و آزار ببیند. حتی آن مبنای آقای خویی و آقای تبریزی هم موجب حرمت این امر می‌شود. (www.eshragh-erfan.com)

## جمع‌بندی بحث

تا اینجا عنوان‌هایی بحث شد که انطباق غالب آنها بر مورد دائمی نیست. اگر نگوییم همه این‌ها این طور بود که انطباقش بر مورد دائمی نیست. یکی دو تا غالبی بود، بقیه هم گاهی منطبق می‌شد، گاهی نمی‌شد. این از نظر صغروی، در همه این‌ها یک حرف مشترک داشتیم که تشبیب چه در دایره‌ای که وصف مرآه است یا غیر مرآه، معلومه است یا غیر معلومه و به شعر است یا به نظم است یا به ابزارها و ادوات دیگر. این‌ها طبق این ادله هیچ فرقی نمی‌کند. یک اشکال مشترک در همه این‌ها، دلیل این بود که عنوان تشبیب در روایت و آیه‌ای وارد نشده است، انطباق هیچ کدام از این عناوین ثانویه و قواعد عامه هم دائمی نیست. بعضی غالبی بود، بعضی غالبی هم نبود و لذا نمی‌توانیم بگوییم تشبیب بما هو مطلقاً حرام است. چه در آن با قیودی که فقها فرموده‌اند و بخصوص ماورای آن قیود که آن روشن‌تر است، البته فرقی نمی‌کند مرآه باشد یا غیر مرآه، معلومه باشد یا غیر معلومه و یا به شعر باشد یا به غیر شعر.

## ۷-۴- عنوان وصف

این است که گاهی این وصف غیر عند شخص آخر است، گاهی خودش است. وصف غیر در هر حال ممکن است گفته شود که موجب یک نوع تهییج شهوانی خود او می‌شود. یعنی خود او برای زنی شعر می‌خواند و اوصاف او را بیان می‌کند و خویشتن را به هیجان شهوانی در می‌آورد. این دلیل هم یک دلیل است.

## الف- اشکال صغروی

این دلیل هم به لحاظ صغروی اشکال دارد که همیشه این طور نیست، اگر این طور باشد، حرام است. به لحاظ کبری بحثی نیست. اگر کسی خودش را به تهییج شهوانی در بیاورد، مطلقاً حرام است. مگر در جایی که جای خاص خودش باشد. این تابع این است که خودش تهییج شهوانی بشود یا نشود.

خاصیت دلیل آخر هم این می‌شود که این، مواردی را که جلوی غیر هم نباشد، می‌گیرد. آن وقت اگر جلوی غیر باشد و تهییج شهوانی غیر هم باشد دو گناه کرده است؛ هم خودش را در معصیت و هیجان شهوانی انداخته و هم یکی دیگر را به گناه انداخته است. البته تهییج شهوانی خود قیودی دارد که در جای خودش بحث می‌کنیم. اینجا بحث ما بیان وصف است؛ شعری یا سرودی می‌خواند.

## جمع‌بندی بحث

به لحاظ صغروی عنوان تشبیب ملازمه قاطع دائمی به هیچ یک از عناوین نداشت، ولی با بعضی، ملازمه‌اش بیشتر بود و با بعضی کمتر، ولی ملازمه دائمی نبود. به لحاظ کبروی این عناوین‌ها به دو یا سه دسته تقسیم شده‌اند، بعضی حرام بود، حرمت کبروی آن قبول بود. اطلاق در حرمت به لحاظ کبروی نبود، گرچه بعضی کراهت داشت، بعضی حتی کراهت هم ممکن است نداشته باشد، لذا در این عناوین اشکال صغروی مشترکی بود که ملازمه دائمی نیست و در کبری هم این کبریات و قواعد عامه دو قسم می شدند، بعضی مطلقاً حرام بودند و بعضی حرام نبودند، بلکه کراهتی داشتند.

## ۸- فروعات بحث تشبیب

## ۸-۱- عدم موضوعیت قیود

قیودی که در کلمات فقها آمده است، هیچ موضوعیتی ندارد که مرأه و معلومه باشد و به شعر باشد. این‌ها هیچ موضوعیتی ندارد. اینها از باب این بود که با این قیود یک نوع تهییج یا چیزهای دیگر حالت غلبه‌ای پیدا می‌کرد و الا این قیودی که فقها در تعریف تشبیب آورده‌اند که گفتیم، قیود متخذه از حکم است، چون دلیل به عنوان تشبیب نداشتیم، لذا ما حکم را که روشن کردیم در تشبیب برای حکم به حرمت در آن جاهایی که مصداق آن محرمات است نه همیشه، قید زن بودن دخالتی نداشت، اگر مرد هم باشد، اگر مصداق تهییج و ایذاء و امثال این‌ها شود حرام است، اگر نشود حرام نیست. این موضوعیت ندارد که زن باشد، یا مرد باشد. ممکن است مردی را توصیف کند و پسری را توصیف کند و تهییج شهوانی و اغراء باشد و حرام شود. ممکن است زنی را توصیف بکند ولی این‌ها را نداشته باشد، لذا این قیود دخالتی ندارد از حیث اینکه مرد باشد یا زن باشد.

## ۸-۲- عدم دخالت معلومه و غیرمعلومه

اینکه این قیود دخالتی ندارد از حیث اینکه معلومه باشد یا غیر معلومه. این دخالت مطلقاً ندارد، بلکه در بعضی از این عناوین معلومه بودن دخالت داشت، مثلاً آنجایی که نسبت به زنی ایجاد طمع می‌کند و اغراء می‌کند لابلالی را نسبت به زنی این مربوط به جایی است که زن معلومه‌ای باشد و لذا آن قید دومی که زن بودن است و معلومه بودن است دخالتی ندارد، جز در یکی دو تا از آن موارد.

## ۸-۳- عدم دخالت قید شعر

قید شعر بودن هم، معلوم است که دخالتی ندارد. این توصیف اگر مصداق یکی از محرّمات یا مکروهاتی شود که اینجا برشمردیم، سه چهار تا حرام بودنش ثابت بود و اعانه بر اثم و تهییج شهوانی و ایذاء و اینها، آنجایی که محرم یا مکروه است طبق بحث‌های گذشته فرقی نمی‌کند که با شعر کسی را توصیف کند یا اینکه نه با بیان نثری باشد یا با ابزارهای دیگر امروزی باشد یا فیلم ساختگی درست کرده که بما هو هو حرام نیست، ولی از جهتی که توصیف زنی می‌کند و مصداق یکی از آن عناوین می‌شود اشکال پیدا می‌کند، لذا از لحاظ ابزار تفاوتی نمی‌کند که چه ابزار و چه وسیله‌ای در این تهییج شهوانی باشد.

## ۸-۴- توصیف غیر مستقیم

این است که این‌هایی که گفتیم، در آنجایی است که توصیف او با شعر و نظم و فیلم و چیزهای غیر مستقیم باشد و الا در فیلم و اینها اگر فیلم نامحرمی را نشان بدهد یعنی فیلم واقعی او را نشان بدهد، داستان آن فرق می‌کند. کاری که الان هم گاهی می‌کنند. اگر کسی تصویر واقعی را نشان بدهد، آن تصویر واقعی مشمول آن احکام است که اگر طرف او را بشناسد و نامحرم را ببیند مطلقاً حرام است، اما اگر نمی‌شناسد که او کیست و می‌بیند آن وقت عناوین ثانویه می‌شود، باید ببینیم تهییج شهوانی است یا نیست. اگر تهییج شهوانی باشد اشکال دارد، لذا این بحث‌ها در بیانی بود که غیر از تصویر و تصویرهای غیر فیلم‌سازی است و الا اگر فیلم مستند باشد و فیلم واقعی باشد، آن از این بحث جدا است و احکام دیگری دارد. تصویر واقعی تشبیب نیست و حساب دیگری دارد که بحث می‌شود و حکمش هم همین است که اگر می‌شناسد و نگاه کند غالباً می‌گویند حرام است، اما اگر نشناسد آن وقت مانعی ندارد، الا اینکه یکی از این عناوین ثانویه و قواعد کلیه باشد که آن هم گاهی هست و گاهی نیست. مشهور و معمولاً می‌گویند وقتی بشناسد حرام است، اگر نشناسد حرام نیست، مگر اینکه اصله الفتنه و تهییج و امثال اینها باشد (www.eshragh-erfan.com).

## ۹- تشبیب از دیدگاه فقهای اهل سنت

## ۹-۱- حکم تکلیفی تشبیب

تشبیب زن معین یا پسر بچه بدون ریش بر سراینده حرام است. اختلافی بین فقیهان نیست در اینکه شاعر شعری درباره زن معین و بیگانه و نامحرم بسراید که محارمش را بر ناسزاگویی تحریک کند، مثلاً صفات حسی زن غریبه‌ای را که حرام است آشکار سازد، هیچ اختلاف نظری

نیست و مساوی است در اینکه صفات حسی و معنوی آن زن را یاد کند. همچنین اگر صفات آشکار و پنهان آن زن را یاد کند باز هم حرام است، زیرا باعث آزار و ناراحتی او و خویشتنش می‌گردد و عامل برملا کردن پوشش و رسوایی زن مسلمان است، اما اگر مرد تشبیب همسر و کنیز خود را تشبیب کند اشکال ندارد (موسوعه الفقهیه، ج ۱۲، ص ۱۴۰). البته نباید اعضای پنهانش را توصیف کند، همچنین نباید چیزی را که باید پنهان بماند یاد کند، زیرا با این کار از انسانیت سقوط خواهد کرد و بی‌غیرت خواهد شد و اگر بگوید بنابر فتوای بعضی از فقها مرتکب کار حرام و بنابر نظر فقهای دیگر مرتکب کار مکروه شده است. همچنین تشبیب به زن غیرمعین جایز است، البته نباید فحش دهد یا قرینه‌ای بیاورد که آن زن را مشخص کند، زیرا هدف از قرینه در شعر، زیبا و نغز ساختن شعر است نه مشخص کردن موصوف، پس اگر قرینه معینه بیاورد در حکم تعیین زن خواهد بود که حرام است.

ذکر اسم زن نامعلوم، مثل لیلی و سعاد، تعیین زن نیست. به دلیل حدیث کعب بن زهیر از شاعران بلند مرتبه عرب و از قصیده‌سرایان بزرگ زمان پیامبر اکرم، که قصیده «بانت سعاد» را در حضور رسول خدا، و در وصف ایشان سرود.

#### ۹-۲- تشبیب پسر بچه

تشبیب غلام (پسر بچه) حرام است؛ البته این حکم وقتی است که بگوید عاشق پسر بچه است، حتی اگر معین نباشد، زیرا سرودن اشعار عشقی درباره پسر بچه مطلقاً و در هر صورت، چه معین چه نامعین، حرام است. بعضی از فقها گفته‌اند پسر بچه نامعین حکم زن نامعین را دارد یعنی تشبیب او حرام نیست مگر با همان شرایطی که برای زن نامعین گفته شد. (الموسوعة الفقهية الكويتية).

#### ۹-۳- روایت اشعار تشبیب از دیگران

از دیدگاه اهل سنت اگر کسی صفات [زن یا پسر بچه] را از کسی نقل کند یا شعر دیگری را بخواند و قصد تحریک بر حرام نداشته باشد، این کار مباح است. مثلاً بخواهد شاهد شعری بیاورد یا فصاحت و بلاغت بیاموزد. ابن‌قدامة از فقهای حنبلی در این باره می‌گوید: «فماکان الشعر یتضمن هجوه المسلمین و القذحی أعراضهم أو التشبیب امرأة بعینها و الإفراط فی وصفها فذکر أصحابنا أنه محرم و هذا إن أريد به أنه محرم علی قائله فهو صحیح و أما علی راویة فلا یصح»

مذهب حنفیه حرمت تشبیب زن را به معین و زنده‌بودن زن مقید کرده‌اند، پس اگر زن مرده‌ای را تشبیب کند حرام نیست (همان).

ابن‌قیم جوزی در کتاب *مدارج‌السالکین* گفته است: «تشبیب و غزل‌سرایی غالباً در صورت‌های حرام است و نادرترین غزل‌سرایی و تشبیب آن است که مرد درباره همسر یا کنیزش بسراید و این مورد آن قدر کم است که چون موی سفیدی در پوست گاو سیاه می‌ماند.»

از اینکه اهل سنت از جمله موارد سقوط عدالت را تشبیب زن معین می‌دانند، درمی‌یابیم که تشبیب نزد ایشان حرام است.

#### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

طبق نظر فقهای شیعه از جمله اشعاری که مذموم و نکوهیده شمرده شده، شعر تشبیب است که شاعر در قالب آن به توصیف جمال و محاسن زن و اظهار اشتیاق و علاقه به معشوقه‌اش می‌پردازد. این نوع شعر چون ملازم با مفاسدی از قبیل، ترویج فحشاء و منکر، اذیت و آزار دیگران، هتک حرمت زنان آبرومند و... می‌شود از نظر شرع حرام و غیرمجاز می‌باشد. در زمینه حرمت تشبیب ادلهٔ مختلفی بیان شده است، از جمله آیات و روایات و سیره‌ی عقلا. مشهور فقها نیز تشبیبی را که ملازم با یکی از عناوین حرام باشد، حرام می‌دانند و در این جهت فرقی بین زنان مختلف وجود ندارد و هر زنی که محترم باشد تشبیب نسبت به او جایز نیست و از دیدگاه فریقین هم تشبیب زن معین و پسر بچه بدون ریش بر سراینده حرام است، اگرچه صفات آشکار و پنهان آن زن را یاد کند باز هم حرام است، زیرا باعث برملاکردن پوشش و رسوایی زن مسلمان است.

منابع

- ◀ قرآن کریم
- ◀ ابن قدامه مقدسی، ابو محمد، ۱۴۰۵ق. المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل شیبانی، بیروت: دارالفکر.
- ◀ ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۰۴۵ق. لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء التراث.
- ◀ اعرافی، علیرضا، ۱۳۸۷. دروس خارج فقه،  
www.eshragh-erfan.com
- ◀ انصاری، مرتضی، ۱۴۱۶ق. مکاسب، بیروت: دارالاحیاء التراث.
- ◀ ایروانی، علی، ۱۳۷۹. حاشیه مکاسب، تهران: صبح صادق.
- ◀ تبریزی، جواد، ۱۴۱۶ق. ارشاد الطالب علی مکاسب، قم: اسماعیلیان.
- ◀ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۷۶. وسائل الشیعه، قم: اسماعیلیان.
- ◀ حسینی، سید محمد، ۱۳۷۵. فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، تهران: سروش.
- ◀ حلی (محقق)، ابوالقاسم نجم الدین، ۱۴۰۹ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: اسماعیلیان.
- ◀ حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۱۳ق. قواعد الاحکام، قم: نشر اسلامی.
- ◀ حلی، محمد بن حسن علی، ۱۴۱۴ق. تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه اهل بیت.
- ◀ خمینی، سید روح الله، ۱۳۶۸. مکاسب محرمة، تهران: مطبوعاتی دارالعلم.
- ◀ دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷. لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- ◀ ذهنی تهرانی، محمد جواد، ترجمه و شرح مکاسب شیخ انصاری، قم: حاذق.
- ◀ راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۱۳۶۲. المفردات لالفاظ قرآن کریم، تهران: مرتضوی.
- ◀ روحانی، سید صادق، ۱۴۱۳ق. فقه الصادق، قم: دارالکتاب.
- ◀ سیاح، احمد، ۱۳۹۰. فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران: اسلام.
- ◀ سعیدزاده، محسن، ۱۳۷۴. کنگره جهانی بزرگداشت دویستمین سالگرد شیخ انصاری، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- ◀ \_\_\_\_\_ «تشبیب از دیدگاه شیخ انصاری»، پیام زن، ش ۱۰، (۱۳۷۳).
- ◀ حسینی عاملی، عبدالمحسن، ۱۴۰۸ق. بلغه الطالب فی شرح مکاسب، بیروت: الوفا.
- ◀ خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۷ق. مصباح الفقاهه، قم: انصاریان.
- ◀ طریحی، ۱۳۷۵. مجمع البحرین، تهران: مکتبه المرتضویه.
- ◀ طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵. التهذیب الاحکام، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ \_\_\_\_\_ ۱۳۸۷. المبسوط، تهران: مرتضوی.
- ◀ عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، ۱۴۱۰ق. الدروس الشرعیه، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.

- ◀ عاملی (شهیدثانی)، زین الدین بن علی، ۱۴۱۲ق. مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم: معارف اسلامی.
- ◀ عمید، حسن، ۱۳۸۹. فرهنگ عمید، تهران: اشجع.
- ◀ کرکی، علی بن حسین، ۱۴۰۷/۱۴۰۸ق. جامع المقاصد، قم: مؤسسه آل البيت.
- ◀ کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق. کافی، تهران، دارالکتب اسلامیة.
- ◀ مجلسی، محمدباقر، ۱۰۳۷-۱۱۱۱ق. بحار الانوار، قم: اسلامیة.
- ◀ مددی موسی، احمد، ۱۳۸۹. شرح بر مکاسب محرمة، وبگاه دروس و آثار استاد مددی موسوی  
<http://www.ostadmadadi.ir>
- ◀ میرشفیعی خوانساری، فضل الله، ۱۳۷۴. محصل الکلام، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب - الجزائری.
- ◀ نجفی، محمدحسن، ۱۳۸۸. جواهر الکلام الی شرح شرایع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ نوری محدث، میرزا حسین، ۱۴۱۵ق. مستدرک الوسائل، قم: آل البيت.
- ◀ هندی، متقی، ۱۹۵۴م. کنز العمال، بیروت: الرساله.
- ◀ نرم افزار «الشامله»، منتشر شده توسط وزارت اوقاف و شئون اسلامی دولت کویت.
- <http://www.islamweb.net>
- <http://www.eshragh-erfan.com>